

حکومت کارگران و کشاورزان

این فرمول، یعنی "حکومت کارگران و کشاورزان"، نخست در برنامه‌ی تهییج بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ ظاهر گردید و بعد از انقلاب اکتبر با قاطعیت پذیرفته شد. در مرحله‌ی نهائی، این فرمول چیزی نبود به جز وجه تسمیه متداول برای دیکتاتوری مستقر شده‌ی پرولتاریا. اهمیت این وجه تسمیه عمدتاً از این حقیقت ناشی می‌شود که در آن فکر اتحاد بین پرولتاریا و توده‌های روستائی، که قدرت روسیه شوروی بر آن متکی است، تأکید شده است.

موقعی که کمینترن جانشینان قلابی کوشید فرمول "دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا و روستائیان" را که تاریخ چالش کرده بود، احیاً به کند، به فرمول "حکومت کارگران و روستائیان"، محتوایی کاملاً متفاوت و مطلقاً "دموکراتیک"، یعنی بورژوائی بخشید، و آن را در برابر دیکتاتوری پرولتاریا قرار داد.^۱ بلشویک-لنینیست‌ها با عزمی راسخ شعار "حکومت کارگران و روستائیان" را در معنای بورژوا-دموکراتیک آن رد کردند. آنان در همان

^۱ - جانشینان قلابی Epigones پیروانی هستند که تعالیم رهبر خود را فاسد و تحریف می‌کنند. تروتسکی این اصطلاح را در مورد استالینیست‌ها که ادعا می‌کنند لنینیست هستند، به کار برد.

"دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا و روستائیان"، شعار حکومتی بلشویک‌ها قبل از ۱۹۱۷ بود این شعار لزوم اتحاد پرولتاریا و روستائیان و مبارزه علیه بورژوازی لیبرال را تأکید می‌کرد. لنین پس از ورود به روسیه در آوریل ۱۹۱۷ این شعار را با شعار "دیکتاتوری پرولتاریا" که توده‌های روستائی را رهبری می‌کند جایگزین کرد. انقلاب اکتبر صحت این شعار را نشان داد. بعدها در دوران انقلاب ۲۷-۱۹۲۵ چین و سپس یک سلسله کشورهای عقب افتاده‌ی دیگر استالینیست‌ها از شعار "دیکتاتوری دموکراتیک" برای توجیح سازش با بورژوازی لیبرال استفاده کرده، آن را در مقابل شعار "دیکتاتوری پرولتاریا" قرار دادند.

زمان تأیید کردند، و هم اکنون نیز تأیید می کنند، که وقتی که حزب پرولتاریا حاضر نمی شود از محدوده ی بورژوا-دموکراتیک پا فراتر بگذارد، اتحاد آن با توده ی روستائی تنها بدّل به حمایت از سرمایه می شود؛ به همان گونه که در مورد منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها در سال ۱۹۱۷، و در حزب کمونیست چین، در سال های ۲۷-۱۹۲۵، و هم اکنون در مورد جبهه ی مردم در اسپانیا، فرانسه و سایر کشورها مشاهده گردیده است و می شود.^۲

از آوریل تا سپتامبر ۱۹۱۷ بلشویک ها خواستار آن شدند که سوسیال رولوسیونرها و منشویک ها از بورژوازی لیبرال بریده، قدرت را به دست خود به گیرند. حزب بلشویک به قید این شرط به منشویک ها و سوسیال

^۲ - منشویک ها Mensheviks به معنی " اقلیت ها" نام جناحی از حزب سوسیال دموکراسی روسیه شد که در سال ۱۹۰۳ به رهبری مارتف از جناح دیگر این حزب تحت رهبری لنین که نام بلشویک ها (اکثریت ها) را گرفت انشعاب کرد. منشویک ها تدریجاً به حزبی اصلاح طلب بدل شدند. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷، منشویک ها با بورژوازی لیبرال ائتلاف کردند و سپس بر ضدانقلاب اکتبر به مبارزه پرداختند.

سوسیال رولوسیونر ها Social Revolutionaries - حزب سوسیال رولوسیونر در سال ۱۹۰۰ در روسیه تأسیس شد، و در سال های ۲-۱۹۰۱ به صورت بیان سیاسی کلیه ی روندهای نارودنیک (خلقی) گذشته در آمد. این حزب قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بیشترین نفوذ را در میان روستائیان داشت و جناح راست آن توسط کرنسکی Kerensky رهبری می شد. سوسیال رولوسیونر های چپی، بلافاصله بعد از انقلاب اکتبر در یک حکومت ائتلافی با بلشویک ها شرکت کردند، ولی به سرعت از طرف " چپ" به مخالفت پرداخته، به سازمان دهی عملیات ضدانقلابی دست زدند.

حزب کمونیست چین - در انقلاب دوم چین (۲۷-۱۹۲۵)، رهبری استالین- بوخارین در کمینترن به حزب کمونیست چین فرمان داد تا از هرگونه بسیج مستقل طبقه ی کارگر و یا روستائیان دست بکشد و با باقی ماندن در حزب لیبرال- بورژوائی کومین تانگ فعالیت های خود را صرف به قدرت رساندن این حزب کند. در نتیجه ی این سیاست، مبارزات کارگران و روستائیان در مجرای خواست های بورژوائی لیبرال محبوس گشت تا در اولین فرصت توسط آن خرد گردد.

در سال ۱۹۲۶ کومین تانگ به عنوان یک " حزب طرف دار" به عضویت کمینترن پذیرفته شد.

در آوریل ۱۹۲۷، چیان کایشک، در رأس کومین تانگ، با کودتائی بر علیه حزب کمونیست در شانگهای، هزاران کارگر و روستائی انقلابی را کشت و سازمان هایشان را منهدم ساخت.

رولوسیونرها، که نمایندگان خرده بورژوازی کارگران و روستائیان بودند، قول داد که بدانان در برابر بورژوازی کمک انقلابی به کند؛ لکن وارد شدن در صفوف حکومت منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها، و یا قبول مسئولیت سیاسی برای آن حکومت را یک سره رد کرد. اگر منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها عملاً با کادت ها (لیبرال ها) و امپریالیزم خارجی قطع رابطه کرده بودند، در این صورت "حکومت کارگران و روستائیان" ای که به وسیله ی آنان به وجود آمده بود، فقط می توانست استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را تعجیل و تسهیل نماید.^۳ لکن، دقیقاً به همین دلیل بود که رهبری دموکراسی خرده بورژوائی، با تمام نیروی ممکن، در مقابل استقرار حکومت خود مقاومت ورزید. تجربه روسیه نشان داد و تجربه اسپانیا و فرانسه بار دیگر تأیید می کند، که حتی در شرایط بسیار مساعد، احزاب دموکراسی خرده بورژوائی (سوسیال رولوسیونرها، سوسیال دموکرات ها، استالینیست ها، آنارشویست ها) قادر نیستند حکومتی از کارگران و روستائیان، یعنی حکومتی مستقل از بورژوازی به وجود بیاورند.

با وجود این، درخواست بلشویک ها خطاب به منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها که عبارت بود از: "از بورژوازی به برید، قدرت را به دست خود بگیرید!"، برای توده های مردم ارزش تعلیماتی بزرگی داشت. بی میلی سرسختانه منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها برای کسب قدرت که به صورتی پُر حادثه در روزهای ژوئیه افشاء شده بود، با قاطعیت آنان را در

^۳ - کادت ها cadets - حزب دموکراتیک مشروطه خواه روسیه، حزب بورژوائی طرف دار پروپا قرص مشروطه سلطنتی و لیبرالیزم میانه رو بود، که توسط میلیوکف miliukov رهبری می شد. این حزب به مدتی کوتاه بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در حکومت موقت سرمایه داری نقشی غالب بازی کرد.

مقابل اذهان توده ها محکوم کرد و راه را برای پیروزی بلشویک ها هموار ساخت.^۴

وظیفه ی مرکزی بین الملل چهارم عبارت است از آزاد کردن پرولتاریا از قید رهبری کهن، رهبری ای که محافظه کاری آن با فوران های فاجعه انگیز سرمایه داری در حال تلاشی تناقض کامل دارد و مانع اصلی پیش رفت تاریخی است. اتهام عمده ای که بین الملل چهارم علیه سازمان های سنتی پرولتاریا وارد می کند، این حقیقت است، که آنان نمی خواهند خود را از جسد سیاسی نیمه جان بورژوازی جدا بکنند. در تحت این شرایط، درخواست "از بورژوازی به برید، قدرت را به دست گیرید!" که مرتباً خطاب به رهبری کهن گفته می شود، سلاح فوق العاده مهمی است برای افشاء سرشت خیانت گر احزاب و سازمان های بین الملل دوم و سوم و بین الملل آمستردام.^۵ بدین ترتیب، شعار "حکومت کارگران و کشاورزان" برای ما فقط با مفهومی قابل قبول است که در سال ۱۹۱۷ مورد نظر بلشویک ها بود، یعنی به عنوان یک شعار ضدبورژوازی و ضدسرمایه داری؛ ولی هرگز نه در آن معنی "دموکراتیک" اش، که بعدها جانشینان قلبی بدان دادند و آن را از صورت پلی به سوی انقلاب سوسیالیستی بدل به مانع اصلی در راه حرکت آن ساختند.

ما از تمام احزاب و سازمان هائی که خود را متکی بر کارگران و روستائیان می سازند و به نام آنان سخن می گویند، می خواهیم، که از نظر سیاسی با

^۴ - "روزهای ژوئیه" سال ۱۹۱۷، دورانی مملو از هیجان و بی صبری در میان کارگران و سربازان روسیه بود. در این روزها، کارگران و سربازان، برای گرفتن قدرت از حکومت موقت که توسط منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها حمایت می شد، به تظاهرات بسیاری دست زدند.

^۵ - بین الملل آمستردام Amsterdam International نامی بود که به فدراسیون بین المللی اتحادیه کارگری اطلاق می شد. این سازمان در ژوئیه ۱۹۱۹ تجدید حیات یافته بود و مرکزش در آمستردام بود. این سازمان تحت تسلط سوسیال دموکرات ها قرار داشت.

بورژوازی به برند و در جاده ی مبارزه برای ایجاد حکومت کارگران و کشاورزان گام بردارند. در این جاده، ما بدانان در برابر ارتجاع سرمایه داری، وعده ی حمایت کامل می دهیم. در عین حال، ما در اطراف آن درخواست های انتقالی، که به عقیده ی ما باید برنامه ی "حکومت کارگران و کشاورزان" را تشکیل دهد، به نحوی خسته گی ناپذیر به تهییج می پردازیم.

آیا ایجاد چنین حکومتی به وسیله ی سازمان های سنتی کارگران عملی است؟ همان طور که گفته شد، تجربه ی گذشته نشان می دهد که، دست کم، احتمال چنین عملی بسیار کم است. لکن نمی توان این امکان نظری را یک سره از پیش رد کرد که تحت شرایط کاملاً استثنائی (از نوع جنگ، شکست، ورشکسته گی مالی، فشار انقلابی توده ای، و غیره)، احزاب خرده بورژوا، منجمله استالینیست ها در راه بریدن از بورژوازی، از آن چه خود می خواهند، پا را فراتر به گذارند. به هر طریق در یک چیز نمی توان تردید کرد: حتی اگر این حالت بسیار غیرمحمّل، در جایی و در زمانی واقعیت یابد و "حکومت کارگران و کشاورزان" به معنایی که در بالا بدان اشاره شد، به راستی ایجاد گردد، این حکومت، در راه دیکتاتوری واقعی پرولتاریا فقط به منزله ی واقعه ی کوتاهی خواهد بود.

لکن، نیازی به دست زدن به حدس و قیاس نیست. تهییج در محور شعار حکومت کارگران- کشاورزان، در تمام شرایط ارزش تعلیماتی فوق العاده دارد. و این تصادفی نیست. این شعار تعمیم یافته، کاملاً در مسیر رشد سیاسی عصر ما حرکت می کند (ورشکسته گی و تلاشی احزاب بورژوائی کهن، سقوط دموکراسی، رشد فاشیزم، و کشش روزافزون کارگران به سوی سیاستی فعال تر و مبارزه جویانه تر). به همین دلیل هر کدام از درخواست های انتقالی

باید بدون استثناء به همان نتیجه ی سیاسی منجر شود: نیاز کارگران به بریدن از تمام احزاب سنتی بورژوازی، به منظور استقرار قدرت خود، به اتفاق کشاورزان.

محال است که از پیش مراحل مشخص بسیج انقلابی توده ها را تعیین کنیم. بخش های بین الملل چهارم باید در هر مرحله ی جدید با دیدی انتقادی جهت خود را تعیین کنند و شعارهایی را پیش به کِشند که به کوشش کارگران در راه نیل به سیاست های مستقل کمک کرده، سرشت طبقاتی این سیاست ها را عمیق تر نمایند، اوهام اصلاح طلبانه و مسالمت جویانه را از بین به برند، رابطه ی پیشتاز با توده ها را تقویت کنند، و راه را برای تسخیر انقلابی قدرت، هموار گردانند.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yashazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲